



University of Tabriz

Contemporary Comparative Legal Studies

Online ISSN: 2821-0514

Volume: 16 Issue: 38

Spring 2025

Article Type: Research Article

Pages: 1-28

The Basis of the Collateral Source Principal of Compensation and Its Application in the Insurance System (American and Iranian Law)

Hedieh Jafari¹| Mehrzad Abdali²| Habib Ramezani Akerdi³

1. Master's Degree Student in Private Law, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran
(Corresponding Author) hediejafari496@gmail.com
2. Associate Professor, Department of Law, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran
abdali@soc.ikiu.ac.ir
3. Assistant Professor, Department of Law, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran
h.ramezani@soc.ikiu.ac.ir

Abstract

With the appearance of new institutions to compensate injured parties for civil liability, the role of the general liability system gradually diminished. The existence of collateral sources such as private and social insurances, Physical Injuries Compensation Fund, charitable institutions, cooperative funds ,etc ,gradually created the issue of how they should be combined with the agent to compensate the injured party. In general, four methods were proposed to face and deal with this problem in the world, and the countries' laws of the world have chosen each one according to its policies, goals, and functions. Applying the collateral source rule of compensation is one of the methods of compensation for injured party about civil liability, which was formalized as a general rule in American law nearly two centuries ago and is one of the doctrine principles of common law. Knowing this rule leads us to know what was the reason for the creation of this compensation method and on what basis it is based, and in addition, we can identify the application of this method in the insurance system. In this article, while explaining the rule of collateral source, reasoning the rules in favor of the rule in American and Iranian law have been examined and their application has been adapted in certain cases of insurance.

Keywords: Insurance, Double Compensation, Damage, Collateral Sources, Civil Liability.

Received: 2024/02/03 Received in revised form: 2025/04/04 Accepted: 2025/04/21 Published: 2025/06/07

DOI: 10.22034/law.2025.60408.3367

Publisher: University of Tabriz

law@tabrizu.ac.ir





مبنای قاعده منبع ثانوی جبران خسارت و کاربرد آن در نظام بیمه (حقوق امریکا و ایران)

هدیه جعفری^۱ | مهرزاد ابدالی^۲ | حبیب رضائی آکردی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران (نویسنده مسئول)

hediejafari496@gmail.com

abdali@soc.ikiu.ac.ir

h.ramezani@soc.ikiu.ac.ir

۲. دانشیار گروه حقوق دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

۳. استادیار گروه حقوق دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

چکیده

با پیدایش نهادهای جدید به‌منظور جبران خسارت زیان‌دیده در حوزه مسئولیت مدنی، به‌تدریج نقش نظام عام مسئولیت کم‌رنگ شد. وجود منابع جانبی چون بیمه‌های خصوصی و اجتماعی، صندوق تأمین خسارات بدنی، مؤسسات خیریه و صندوق‌های تعاونی به‌تدریج این مسئله را ایجاد کرد که جمع آنها با عامل زیان به‌منظور جبران خسارت زیان‌دیده چگونه باید صورت گیرد. به‌طور کلی چهار روش به‌منظور مواجهه با این مسئله در دنیا مطرح شد که حقوق کشورهای دنیا هریک را با نظر به سیاست‌ها، اهداف و کارکرد آن انتخاب نموده‌اند. اعمال قاعده منبع ثانوی جبران خسارت یکی از روش‌های جبران خسارت شخص زیان‌دیده در حوزه مسئولیت مدنی است که نزدیک به دو قرن پیش به‌عنوان یک قاعده عام در حقوق امریکا رسمیت یافت و یکی از اصول دکتترین حقوق کامن‌لا شد. شناخت این قاعده ما را به آنجا می‌رساند که بدانیم دلیل ایجاد این روش برای جبران خسارت چه بوده و بر چه مبنایی استوار است و افزون بر آن، بتوانیم کاربرد این روش را در نظام بیمه شناسایی کنیم. در این مقاله ضمن تشریح قاعده منبع ثانوی، استدلال‌های موافق بر قاعده در حقوق امریکا و ایران مورد بررسی گرفته و اعمال آن با موارد خاصی از بیمه تطبیق داده شده است.

واژگان کلیدی: بیمه، جبران خسارت مضاعف، ضرر، مسئولیت مدنی، منابع جانبی.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۳/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۱/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۴

DOI: 10.22034/law.2025.60408.3367



law@tabrizu.ac.ir

ناشر: دانشگاه تبریز

مقدمه

به طور کلی عامل زیان مسئول کل خسارات وارده به زیان دیده است و بر اساس اصل جبران خسارت، خسارت وارده به زیان دیده باید به طور کامل جبران گردد، به نحوی که وضعیت شخص را به حال سابق اعاده کند و در عین حال به سود بادآورده به نفع وی منجر نگردد. این اصل یکی از اصول برگرفته از نظام عام مسئولیت مدنی است. به تدریج با صنعتی شدن جوامع و ایجاد محیط های پرخطر و افزایش خسارات و میزان هنگفت آن، سرعت و اطمینان در جبران خسارت، منابع جانبی چون شرکت های بیمه ایجاد شد که معضل جمع با عامل زیان را مطرح نمود. در حقوق کشورهای دنیا با توجه به مبانی متعدد، روش های گوناگونی به منظور جبران خسارت زیان دیده شامل اختیار زیان دیده در رجوع به عامل زیان و نهادهای ثانوی، اصل جانشینی، قاعده منبع ثانوی جبران خسارت، کاهش مسئولیت عامل زیان به میزان وجوه پرداختی منابع جانبی به نفع زیان دیده ایجاد شده است.

قاعده منبع ثانوی جبران خسارت یکی از روش های جبران خسارت زیان دیده است که یک قاعده عام در حقوق امریکا قلمداد می شود و بر اساس آن، مسئولیت عامل زیان با دستاویز قرار دادن جبران خسارت منابع جانبی، کاهش نمی یابد. با آنکه آثار قابل ملاحظه ای در حوزه جبران خسارت و روش های متعدد موجود ارائه شده، اما هیچ یک به بررسی دلایل ایجاد روش اعمال قاعده منبع ثانوی و کاربرد آن نپرداخته است. وجود قاعده منبع ثانوی این پرسش را مطرح می سازد که چه عواملی باعث ایجاد آن شده و پشتوانه حمایت از آن چیست؟ همچنین این روش در خصوص بیمه که یکی از منابع ثانوی است، چه کاربردی دارد؟

پژوهش پیش رو با روش توصیفی- تحلیلی، جمع آوری اطلاعات و داده ها به صورت کتابخانه ای و فیش برداری از آثار مختلف داخلی و خارجی چون کتاب ها، مقالات و نشریات معتبر انجام شده است تا بر اساس آن، پاسخ به این مسائل بتواند در انتخاب یا عدم انتخاب این شیوه در جبران خسارت زیان دیده مؤثر باشد و وضعیت اعمال آن را در انواع مختلف بیمه معین سازد.

۱. معرفی قاعده منبع ثانوی جبران خسارت

هنگامی که شرایط تحقق ضرر ایجاد می شود، بر اساس قوانین تدوین شده و اصول حاکم بر

مسئولیت مدنی، جبران آن از سوی عامل زیان مسلم و قطعی می‌گردد. در واقع، مسئولیت مدنی تعهد به جبران خسارت از سوی مباشر یا مسبب حادثه است.^۱ آنچنان که قانون مسئولیت مدنی بر این امر تأکید دارد که در صورت ورود خسارت و لطمه به هر حقی از حقوق افراد که قانون برای افراد ایجاد کرده باشد و منجر به بروز خسارت مالی یا معنوی شود، عامل زیان ملزم به جبران خسارت وارده است (مواد ۱ و ۲ ق.م.م).

لذا جبران خسارت یک اصطلاح حقوقی است که بر مبنای مسئولیت قهری ایجاد می‌شود و برعهده شخص عامل زیان قرار می‌گیرد. در کنار مفاهیم کلی موجود، عبارتی که پس از ایجاد نهادهای ثانوی چون بیمه ایجاد شد، جبران خسارت مضاعف است که از آن با عنوان «جمع مزایا در خسارت»، «جبران زیان مجدد» و موارد مشابه تعبیر می‌شود.

جبران خسارت مضاعف به حالتی اطلاق می‌شود که یک زیان درحالی که جبران شده است، مجدد جبران گردد و این امر از طریق نهادهای ثانوی چون بیمه، تأمین اجتماعی، مؤسسات خیریه و... ایجاد شده است. اعمال این شیوه از طریق پرداخت مزایای جانبی و مضاعف تحت «قاعده منبع ثانوی جبران خسارت» است. مزایای جانبی که معادل آن Collateral Benefit است، به معنای جبران خسارت و دریافت مزایا از منابع و نهادهایی غیر از نظام مسئولیت مدنی همچون بیمه‌های خصوصی و اجتماعی شناخته می‌شود.^۲

منظور از «نهادهای ثانوی یا جانبی» مراجعی است که مستقل از عامل زیان اقدام به پرداخت وجوه هنگام ورود زیان به زیان‌دیده می‌کنند. در واقع، این منابع نه از باب جانشینی عامل زیان، بلکه به‌طور مستقل و بر مبنای مختلف مانند قرارداد، قانون، و پرداخت‌های بلاعوض اقدام به پرداخت خسارت می‌کنند. انواع بیمه‌های بازرگانی و اجتماعی، مؤسسات خیریه، صندوق‌های تأمین خسارت، صندوق‌های تعاونی و... مثال‌هایی از نهادهای ثانوی هستند که در کنار نظام عام مسئولیت مدنی ظهور پیدا کرده، پس از پیدایش خود به ایجاد تحول در نحوه جبران خسارت

۱. علی غریبه و عزیز امن‌الهی، «مبانی مسئولیت تولید و عرضه تجهیزات پزشکی معیوب در حقوق ایران و اتحادیه اروپا»، مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، ش ۲۶ (۱۴۰۱)، ص ۱۲۷.

۲. حسن بادینی، «قواعد حاکم بر اعمال همزمان نظام‌های جبران خسارت (مسئولیت مدنی، بیمه و تأمین اجتماعی)»، مطالعات حقوق خصوصی، ش ۲ (۱۳۸۷)، ص ۴۰.

منجر شدند. همچنین هدف مسئولیت مدنی را می‌توان در سیاست بازدارندگی و جبران خسارت خلاصه نمود. اما پیدایش نهادهای ثانوی به‌منظور جبران خسارت چون بیمه، موجب تضعیف بازدارندگی از یک طرف و تحصیل جبران خسارت به نحو مطلوب و با سرعت، از طرف دیگر شده است. این اثر نامطلوب پیدایش نهادهای ثانوی را خطر رفتاری می‌نامیم.^۳ قاعده منبع ثانوی جبران خسارت^۴ که با عنوان قاعده مزایای ثانوی جبران خسارت^۵ نیز شناخته می‌شود از رایج‌ترین روش‌های شناخته‌شده جبران خسارت در حقوق ایالات متحده آمریکا است.^۶

قاعده منبع ثانوی یا جانبی به معنای عدم کاهش مسئولیت عامل زیان در کنار دریافت مزایای ثانوی از منابع جانبی از سوی زیان‌دیده است. این قاعده دادگاه‌ها و هیئت منصفه را از بررسی منابع جمعی دریافتی زیان‌دیده به‌منظور کاهش خسارت عامل زیان منع می‌کند. این قاعده به‌عنوان یک ضمانت اجرای مدنی شناخته می‌شود و یک ابزار حقوقی در جهت جبران ضرر واردشده بر زیان‌دیده است. لذا یکی از روش‌های جبران خسارت قاعده منبع ثانوی جبران خسارت است که در حقوق آمریکا به‌عنوان CSR و در حقوق ایران به‌عنوان «جبران خسارت مضاعف» شناخته می‌شود و در تعریف آن به صورت کلی می‌توان بیان داشت: مسئولیت عامل زیان در جبران خسارت زیان‌دیده به‌دست‌آویز جبران خسارت از طریق منابع جانبی کاهش نمی‌یابد.

همچنین سیستم حاکم بر ایالات متحده آمریکا کامن‌لای محض نیست که صرفاً هر ایالت بر اساس آن قانون‌گذاری کند، بلکه قوه قانون‌گذاری فدرال در رأس ایالات، قوانین مختلفی را در امور گوناگون تصویب می‌کند.^۷ یکی از قوانین فدرال که از سوی کنگره به‌تصویب رسیده، در خصوص قاعده منبع ثانوی جبران خسارت است که به‌عنوان یک قاعده عام رسمیت یافت. دیدگاه ایالات متحده آمریکا در خصوص حقوق مسئولیت مدنی زیان‌دیده محوری است. در واقع

۳. علیرضا باریکلو و سید نعمت‌اله هاشمی، «تأثیر بیمه بر بازدارندگی حقوق مسئولیت مدنی»، *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ش ۱۱ (۱۳۹۵)، ص ۳۲.

4. The Collateral Source Rule

5. The Collateral Benefit Rule

6. Bryan A. Garner, *Black's Law Dictionary*, (United States: West, Thomson Reuters, 2004), p. 792.

۷. حسن بادینی و زهرا تخشید، «مقدمه‌ای تحلیلی و انتقادی بر مطالعه‌ی تطبیقی حقوق مسئولیت مدنی آمریکا»، *مطالعات حقوق خصوصی*، ش ۲ (۱۳۹۸)، ص ۲۱۹.

این قاعده ارائه هرگونه مدارک مبتنی بر پرداخت منابع ثانوی را منع می‌کند. نمونه بارز این ممنوعیت در رأی دادگاه عالی فلوریدا صادر شده است.^۸

امروزه با توجه به پیدایش نهادهای ثانوی چون بیمه و عدم توانایی در انکار آنها نیاز به یک هماهنگی در روش‌های سنتی و مدرن احساس می‌شود. وجوه مختلفی که با روش‌های متفاوتی غیر از عامل زیان به زیان‌دیده می‌رسد این شبهه را ایجاد می‌کند که عامل زیان از مسئولیت مبرا می‌شود؛ حال آنکه هدف قاعده منبع ثانوی صرف جبران خسارت نبوده، بازدارندگی عامل زیان نیز مورد توجه آن است. قواعد حاکم بر مسئولیت مدنی باید مبتنی بر سه هدف جبران خسارت زیان‌دیده، تنبیه عامل زیان، و بازدارندگی جامعه باشد.^۹ جبران خسارت زیان‌دیده، بازدارندگی و تنظیم رفتار جامعه در جلوگیری یا کاهش ضرر و توزیع زیان از اهداف اساسی ایالات متحده در اجرای مسئولیت مدنی است. این قاعده پیدایش نهادهای جدید را دستاویز بی‌مسئولیتی عامل زیان نمی‌داند و کارکرد و هدف خود را در هر دو (جبران خسارت و بازدارندگی) دنبال می‌کند. اهمیت جمع این دو هدف یعنی بازدارندگی و جبران خسارت، و جمع نظام عام مسئولیت مدنی و پیدایش نهادهای جانبی نوظهور، موافقان را به اعمال قاعده منبع ثانوی سوق می‌دهد و آنها را رقیب سرسخت مخالفان می‌کند.

۲. شناخت پیشینه قاعده منبع جانبی

با آنکه نظام عام مسئولیت مدنی یک شیوه کهن در طریقه جبران خسارت زیان وارده بر اشخاص بوده است، اما با گذشت زمان شاهد ظهور نهادهایی در جهت جبران خسارت اشخاص بوده‌ایم که هدف آنها توزیع زیان و برقراری عدالت توزیعی، متناسب با وضعیت امروزی است. هرچند بیمه در دوران باستان در کشورهایی چون مصر و یونان نمودهایی داشت، اما برای نخستین بار پیدایش حقوق بیمه را باید از قرن پانزدهم میلادی در کشورهای مدیترانه همچون ایتالیا دانست که در حوزه حمل و نقل دریایی کالا ظهور و بروز یافت.^{۱۰}

8. Sheffield v Superior Ins. Co., 800 So 2d 197, (Fla 2001); Grossman v. Beard, 410 So.2d 175 (Fla. 2d DCA 1982)

۹. مهدی خادم سربخش و هدایت‌اله سلطانی‌نژاد، «اصل قابلیت جبران کلیه خسارات»، *مبانی فقهی حقوق اسلامی (پژوهش‌نامه فقه و حقوق اسلامی)*، ش ۱۲ (۱۳۹۲)، ص ۳۲.

۱۰. ایرج بابایی، *حقوق بیمه*، (تهران: سمت، ج ۱، ۱۳۹۰)، ص ۹.

در قرن هفدهم میلادی تعدادی از بیمه‌گران، تاجران و کشتی‌داران انگلیسی در قهوه‌خانه فردی به نام ادوارد لوید در شهر لندن گرد آمدند که به موجب آن ادوارد در سال ۱۶۸۸ شرکت لویدز را تأسیس کرد. قهوه‌خانه لویدز تا سال ۱۷۶۰ مهم‌ترین مرکز بیمه خطرهای دریایی بود.^{۱۱}

با توجه به اینکه یکی از انواع بیمه‌های خسارت بیمه‌های اموال است، این نوع بیمه‌ها که با هدف جبران خسارت دارایی مثبت اشخاص ایجاد شده، از کهن‌ترین انواع بیمه بوده که منشأ آن بیمه دریایی است.^{۱۲} این نوع بیمه در قرن‌های ۱۷ و ۱۸ پس از میلاد به حوزه آتش‌سوزی و حوادث نیز تسری یافت.^{۱۳}

همچنین اولین بیمه‌ای که در ایالات متحده آمریکا رایج شد، بیمه آتش‌سوزی بود که ابداع آن به فاجعه آتش‌سوزی لندن در سال ۱۶۶۷ برمی‌گردد. بیمه تأمین اجتماعی نیز در سال ۱۹۳۵ در لایحه دولت فدرال آمریکا استفاده شد.

از نیمه دوم قرن بیستم جبران خسارت جمعی غلبه یافت و موجب تنزل نقش نظام عام مسئولیت مدنی در جبران خسارت شد. از نظر تاریخی عاملان زیان بر این عقیده بودند که آنها مجبور به جبران خساراتی که تحت پوشش بیمه قرار می‌گیرند یا مزایایی که به نحو بلاعوض ارائه می‌شوند، نیستند؛ زیرا این امر موجب سود بادآورده زیان‌دیدگان می‌شود.

آنچه را که اکنون با عنوان قاعده منبع ثانوی جبران خسارت می‌شناسیم، نخستین بار دادگاه عالی ایالات متحده آمریکا به رسمیت شناخت که موضوع مطروحه در آن برخورد دو کشتی بود (پرونده *Monticello* در مقابل *Molliso*)^{۱۴}. در مونتیسلو یک تصادم دریایی منجر به از دست رفتن یک کشتی و محمولات آن شد و بیمه‌گر خسارت وارد به کشتی را پرداخت نمود. سپس مالک کشتی آسیب‌دیده به سبب ارزش کشتی از کاپیتان کشتی مقصر طرح شکایت نمود. صاحب کشتی مونتیسلو بر عدم مسئولیت خویش استدلال کرد. او اذعان داشت حتی اگر مسئول هم باشد، قبلاً بیمه خسارات این سانحه را پرداخت نموده است. اما دادگاه این استدلال را رد کرد

۱۱. عبسی امیران بخشایش و علیرضا باریکلو، «مفهوم اصل جبران خسارت در حقوق بیمه»، مجلس و راهبرد، ش ۸۰ (۱۳۹۳)، ص ۱۷۰.

۱۲. محمد مهدی محمدی، حقوق بیمه (مسئولیت و شخص ثالث)، (تهران: میزان، چ ۱، ۱۳۸۵)، ص ۶۴.

۱۳. عبسی امیران بخشایش و علیرضا باریکلو، پیشین، ص ۱۷۲.

14. Devon L. Gosnell, "The Collateral Source Rule, Whose Windfall Is It?" *Morgantown*, p. 1.

و حکم عدم انتفاع مسئول حادثه از بیمه زیان دیده را صادر کرد. دادگاه بر این امر اذعان داشت قرارداد بیمه که به صورت شرط میان اشخاص ثالث است هیچ گونه ارتباطی با شخص مسئول حادثه ندارد و کاهش مسئولیت عامل زیان به میزان پرداختی های منابع ثانوی به منزله برخورد با بیمه گر به عنوان یک مرتکب مشترک با عامل زیان است که به نفع عامل زیان تلقی می شود و این هم ردیف قرار دادن امری بلاجهت است. در واقع پرداخت هایی که از سوی نهادهای جانبی به نفع زیان دیده انجام می شود، ناشی از قرارداد مشترکی است که میان نهادهایی چون بیمه و زیان دیدگان بالقوه منعقد می گردد. لذا دادگاه ها اجازه ندارند مسئولیت خسارت وارده به عهده عامل زیان را بکاهند.

پس از این حادثه، قاعده منبع ثانوی جبران خسارت در رویه قضایی امریکا به طور رسمی پذیرفته شد. لذا دادگاه عالی ایالات متحده امریکا این قاعده را برای اولین بار در سال ۱۸۵۴ به رسمیت شناخت و بر این عقیده استوار بود که پرداخت های ثانوی شرکت های بیمه به زیان دیدگان، به خسارات عاملان زیان ربطی نداشته، موضوعیت ندارد؛ زیرا قرارداد با بیمه گر دارای ماهیت شرط بندی میان اشخاص ثالث است که شخص عامل زیان به آن بی ارتباط است.^{۱۵}

۳. مبانی قاعده منبع ثانوی جبران خسارت

۳.۱. استدلال موافقان در حقوق امریکا

موافقان قاعده منبع ثانوی جبران خسارت که در کنگره حکومت فدرال امریکا به عنوان یک قاعده عام به تصویب رسید، در جهت حمایت از آن استدلال های محکمی را ارائه داده اند. با وجود مخالفت های فراوانی که مقابل قاعده منبع جانبی صورت گرفت، هنوز این قاعده به عنوان یک قاعده عام در حقوق امریکا حاکم است. موافقان اعمال قاعده منبع ثانوی در توجیه پذیرش آن به طرح موضوعات مختلف می پردازند.

موافقان معتقدند نهاد بیمه عهده دار رابطه عامل زیان با زیان دیده و مسئولیت او نیست تا جبران خسارتی که از طرف وی پذیرفته می شود، موجب براءت ذمه خاطی گردد. با وجود استدلال های عاملان زیان به تحصیل سود بادآورده به نفع زیان دیده، دادگاه ها عموماً آنها را رد

15. (Propeller Monticello v. Mollison, 58 U.S. 152, 155 (1854)).

کرده، بر این باور بودند که نباید عاملان زیان از آینده‌نگری زیان‌دیدگان در خصوص برخورداری از مزایای بیمه یا خدمات رایگان بهره‌مند شوند.

موافقان قاعده بیان می‌کنند، عامل زیان مجاز به بهره‌مندی از مزایای منابع ثانوی شخص زیان‌دیده نیست؛ به‌ویژه در شرایطی که شخص زیان‌دیده قبلاً نسبت به آن منابع جانبی پرداخت‌هایی داشته باشد؛ مانند حق بیمه‌های پرداختی به انواع شرکت‌های بیمه موجود یا کاهش دستمزد کارکنان و کارگران جهت تخصیص بیمه و... که از محل بودجه و حساب شخصی کسر شده است. لذا بی‌شک عدم جبران خسارت عامل زیان یک سود بادآورده و بلاجهت به نفع عامل زیان است که باید از دارایی او کسر می‌شد، اما این امر رخ نداده است. در واقع، زیان‌دیده نه تنها از مزایای بیمه بهره‌ای نمی‌برد، بلکه یک هزینه اضافی را در پرداخت‌های حق بیمه متحمل می‌شود. پرداخت حق بیمه و تحت پوشش یکی از انواع بیمه‌ها قرار داشتن، دوراندیشی زیان‌دیدگان احتمالی است که عاملان زیان نباید از آن منتفع شوند.

پازنر، قاضی وقت دادگاه استیناف امریکا، استدلال کرد اگر عامل زیان خسارت حادثه را متحمل نشود، انگیزه او برای جلوگیری از وقوع حادثه مشابه در آینده کاهش خواهد یافت. به عبارت دیگر، قاعده منبع ثانوی با قرار دادن تمام هزینه مورد انتظار حادثه به‌عهده عامل خسارت، از حوادث آینده جلوگیری می‌کند. مسئله اصلی آن است که ظاهر جبران خسارت مضاعف از سوی عامل زیان، فرع بر یک اصل است. در واقع اصل مهم آن است که کل هزینه‌های ناشی از رفتار زیان‌بار به عامل زیان تحمیل شود.^{۱۶} برخی ایالات به‌طور خاص جبران خسارت مضاعف را در شرایطی مانند ارائه بیمه‌نامه از سوی کارفرمای شخص آسیب‌دیده در خصوص آسیب ناشی از محل کار، منع می‌کنند. در مقابل، پازنر بیان می‌کند، اگرچه در ظاهر بیمه از سوی کارفرما ارائه می‌شود، اما در واقع، از طریق کارگر به صورت دریافت دستمزد کمتر پرداخت می‌شود. از نظر ریچارد پازنر، استثنای قاعده منبع ثانوی در صورت ارائه بیمه از سوی کارفرما کارآمدی و اثربخشی را کاهش می‌دهد؛ چراکه در صورت نبود بیمه ارائه‌شده از سوی کارفرما، کارگر دستمزد بالاتری را دریافت می‌کرد.^{۱۷} لذا منع قاعده منبع جانبی در خصوص بیمه کارگر-کارفرما پذیرفته نیست.

16. Richard A. Posner, *Economic Analysis of Law*, (New York: Aspen Publishers, 2007), p. 200.

17. David Schap & Andrew Feeley, "The Collateral Source Rule: Statutory Reform and Special Interests". *Cato Journal*, No. 1, (2008), p. 84.

علاوه بر آن، دفتر بودجه کنگره آمریکا (CBO) با سه دلیل بیان می‌کند که چرا بیمه‌گذاران به‌ندرت از حق جانشینی (اصل قائم‌مقامی) استفاده می‌کنند: ۱- عدم قطعیت در صدور رأی که زیان بیمه را جبران کند. ۲- هزینه‌های اداری اعمال این حق مانند هزینه‌های مربوط به طرح دعوا. ۳- افکار عمومی (از دید جامعه استفاده از حق جانشینی برای شرکت اقدامی منفی است)^{۱۸}.

می‌توان بیان داشت مهم‌ترین عامل پذیرش این قاعده مسئله بازدارندگی است، اما تطبیق با شرایط و طریقه زندگی در سطح اجتماعی و جوب ضرورت منابع ثانوی چون بیمه را غیرقابل انکار می‌کند. در این شرایط حتی با وجود جبران زیان از سوی نهادهایی چون بیمه، مسئولیت عامل زیان زایل نمی‌شود و بر اساس اصول حاکم بر مسئولیت مدنی، هر شخصی که به دیگری زیانی وارد نماید، مسئول جبران آن است. این امر را نمی‌توان کتمان کرد که ایجاد نهادهای ثانوی ویژگی بازدارندگی مسئولیت مدنی را تضعیف کرده است. برای مثال، از آنجا که در بیمه‌های مسئولیت مدنی، بیمه‌گر عامل زیان خسارت زیان‌دیده را جبران می‌کند؛ بی‌احتیاطی، سهل‌انگاری و عدم مراقبت و دقت متعارف وی را در پی دارد^{۱۹}. جان فلمینگ چنین بیان می‌کند: کارکرد بازدارندگی نظام عام مسئولیت مدنی به‌شدت و شاید به نحو خطرناکی با پیدایش بیمه مسئولیت تضعیف شده است^{۲۰}؛ لذا به‌منظور حفظ کارکرد بازدارندگی، قاعده منبع ثانوی از سوی موافقان آن ارائه شده است.

این درحالی است که برخی به‌منظور حفظ سیاست بازدارندگی نظریه قائم‌مقامی را ارائه داده و به جای زیان‌دیده رجوع نهادهای ثانوی را به‌عنوان جانشینان زیان‌دیده، به عامل زیان پذیرفته‌اند. عامل زیان باید به‌طور کامل بهای عمل زیان‌بار خود را بپردازد تا هم خود و هم دیگران را از اعمال زیان‌بار در آینده منع سازد. این درحالی است که کاهش خسارت، اثر بازدارندگی را کم می‌کند؛ لذا قاعده منبع ثانوی از این هدف حمایت می‌کند. همچنین هر قدر که منابع ثانوی در تحصیل سیاست توزیع خسارت نقش داشته باشند، بازدارندگی بهترین مزیت و مبنایی است که با

18. David Schap, and Andrew Feeley, "(Much) More on the Collateral Source Rule", *Philadelphia: Paper Presented at the Eastern Economic Association Meetings*, (2006), p. 3.

۱۹. حسن بادینی، *فلسفه مسئولیت مدنی*، (تهران: شرکت سهامی انتشار، چ ۱، ۱۳۸۴)، ص ۳۶۵.

20. John Fleming, "The Role of Negligence in Modern Tort Law", *Virginia Law Review*, No. 4, (1967), p. 823.

اعمال این قاعده، وجود آن به منظور تعیین میزان خسارات عامل زیان، نادیده گرفته می‌شود.^{۲۱} لذا، ایجاد نهادهای جانبی نمی‌تواند به اصول اساسی مسئولیت مدنی لطمه وارد آورد. بر این اساس، ممنوعیت رجوع زیان‌دیده به عامل زیان، مخالف نظم عمومی و امنیت اجتماعی است. امری که به عاملان زیان بالفعل جرئت ارتکاب مجدد خطا و به عاملان زیان بالقوه جسارت ارتکاب رفتارهای خطاکارانه را می‌دهد. لذا نمی‌توان زیان‌دیده را با آنکه از نهادهای جانبی مبالغی را دریافت کرده است، از رجوع به عامل زیان منع کرد.

با توجه به لزوم جبران خسارت عامل زیان و تمایل زیان‌دیده مبنی بر جبران خسارت از طریق منابع ثانوی، عده‌ای راه‌حل قائم‌مقامی بیمه‌گر را ارائه می‌دهند. حال آنکه این امر را می‌توان با قاعده قبح ترجیح مرجوح و راجح نفی نمود. در واقع، به‌منظور جبران خسارت از سوی عامل زیان، نمی‌توان رجوع شرکت بیمه (مرجوح) را بر رجوع زیان‌دیده (راجح) مرجح دانست و مبلغ پرداختی عامل زیان را به شرکت بیمه اختصاص داد. لذا اگر قرار بر جبران خسارت از سوی عامل زیان باشد، باید این مبلغ به زیان‌دیده پرداخت شود نه منابع جانبی.

نظر عده‌ای که رجوع به عامل زیان را به‌طور مطلق نفی می‌کنند می‌تواند مورد انتقاد قرار گیرد، زیرا در برخی حوادث تمام خسارات وارده بر شخص زیان‌دیده از سوی منابع جانبی چون بیمه جبران نمی‌شود و رجوع به عامل زیان تنها می‌تواند تکمیل‌کننده جبران زیان وارده باشد. عدم تکافوی مبالغ دریافتی از منابع جانبی می‌تواند عوامل مختلفی داشته باشد. نوع خسارت وارده بر شخص زیان‌دیده و میزان خسارت وارده مانند خسارات معنوی و مبالغ هنگفت خسارات مالی می‌تواند به عدم تکامل جبران خسارت منجر شود. همچنین تعیین سقف و حدود جبران خسارت در برخی بیمه‌ها، تکافوی جبران خسارت زیان‌دیده را نمی‌کند. هزینه‌های دادرسی نیز گرچه به نفع زیان‌دیده مورد حکم قرار می‌گیرد، اما واقعیت امر اینست که هزینه‌های بارشده بر زیان‌دیده به‌منظور اقامه دعوا و مطالبه خسارت، بیشتر از هزینه‌های دادرسی محکوم‌شده است.^{۲۲} لذا با توجه به موارد مطروحه نمی‌توان پرداخت منابع ثانوی را کافی دانست. رجوع به عامل زیان می‌تواند در بهبود وضعیت زیان‌دیده و اعاده او به حالت سابق یاری‌رساننده باشد. درنظر گرفتن

21. Abraham S, Kenneth, "Twenty-First Century Insurance and Loss Distribution in Tort Law", Cambridge University Press, (2005), p. 140.

۲۲. حسن بادینی، «قواعد حاکم بر اعمال همزمان نظام‌های جبران خسارت»، پیشین، ص ۴۶.

تمام آثاری که یک حادثه و وقوع خسارت می‌تواند بر زندگی شخص زیان‌دیده برجای گذارد، توجیه‌کننده رجوع به عامل زیان و دریافت مبالغ مضاعف است؛ حتی اگر بیشتر از خسارات مالی وارد باشد. چه‌بسا که هر زبانی تنها به ظاهر آن ختم نمی‌شود و پشتیبانی و جبران زیان‌های نهانی را نیز می‌طلبد.

در کنار اتلاف هزینه، زمان و نیرویی که هنگام بروز یک حادثه و مطالبه خسارت آن، صرف شده و معمولاً نادیده انگاشته می‌شود، ارزیابی خسارت خود دارای مشکلات عدیده‌ای است.^{۳۳} کاهش کیفیت زندگی فردی که دچار نقص عضو شده، خسارات غیرقابل جبرانی که به برخی اموال وارد می‌شود، نقص عضو یک هنرمند و عدم امکان ادامه آن هنر، رنج ناشی از درگذشت خویشاوندان، صدمات غیرقابل جبران ناشی از قصور پزشکی، عدم موفقیت عمل‌های زیبایی و... تنها می‌تواند گوشه‌ای از مسائل مربوط به خسارات وارده بر زیان‌دیده باشد.

یکی از دلایل دیگری که در موافقت با قاعده منبع جانبی می‌توان بیان کرد، حاکمیت «نظام حق‌الوکاله مشروط یا اتفاقی» است. نظام حق‌الوکاله مشروط^{۳۴} در ایالات متحده آمریکا در حوزه خسارات بدنی حاکم و جاری است. همان‌طور که از نام این نظام پیداست، دریافت حق‌الزحمه یک وکیل، مشروط به امری دیگر است. بر اساس حاکمیت این نظام، بین ۲۰ تا ۵۰ درصد از محکوم‌به، به‌عنوان حق‌الوکاله به وکیل زیان‌دیده پرداخت می‌شود. کمک به افراد ناتوان در اتخاذ وکیل در پرونده و ایجاد انگیزه در وکلا به‌منظور تلاش در احقاق حق خواهان و موفقیت در دعوا از عوامل حاکمیت این موضوع در نظام حقوقی آمریکا است. هرچند با اعمال این شیوه افراد زیادی که توانایی مالی بهره‌مندی از وکیل را ندارند، می‌توانند مبلغی را به نحو مستقل پرداخت نکنند؛ اما با ارائه قسمتی از مبلغ محکوم‌به به وکیل، زیان وارده به زیان‌دیده به نحو کامل جبران نمی‌شود و حالت او را به وضع سابق اعاده نمی‌کند؛ لذا رجوع به عامل زیان و حاکمیت نظام عام مسئولیت مدنی در کنار منابع جانبی باید وجود داشته باشد. حال آنکه اعمال شیوه قائم‌مقامی در جایی که نظام حق‌الوکاله مشروط حاکم است، منجر به عدم جبران کامل خسارت زیان‌دیده می‌شود که این امر مخالف اصول اساسی جبران خسارت است.

۳۳. آندره تنک، مبنای و اصول مسئولیت مدنی از دیدگاه حقوق تطبیقی، مترجمان: سید حسین صفایی و سید احسان حسینی، (تهران: سهامی انتشار، چ ۱، ۱۳۹۸)، ص ۱۷۶.

24. Contingent Fee



در یک تقسیم‌بندی، بیمه‌های خصوصی را می‌توان به بیمه شخص اول و بیمه شخص ثالث تقسیم نمود. بیمه‌های شخص اول، یا متعهد به پرداخت مبلغ معینی به بیمه‌گذار بر اساس توافق طرفین در قرارداد می‌شوند و یا متعهد به جبران ضرر خاصی به بیمه‌گذار می‌شوند که میزان آن پس از وقوع حادثه مشخص می‌گردد.^{۲۵} در این نوع بیمه، شخص خود را در برابر خساراتی که ممکن است از سوی دیگران ایجاد شود، بیمه می‌کند. اما در بیمه‌های شخص ثالث مسئولیت ناشی از زیان‌های وارده از سوی بیمه‌گذار علیه زیان‌دیده، بیمه می‌شود. دادگاه‌هایی مانند دادگاه عالی کالیفرنیا اعمال قاعده منبع جانبی را تشویقی برای شهروندان می‌دانند که در مقابل احتمالات و به‌منظور حفظ خویش از آسیب‌ها به انواع بیمه‌ها روی آورده، آن را نوعی سرمایه‌گذاری می‌دانند.^{۲۶}

بیمه‌های عدم‌النفع انواع پوشش‌های بیمه‌ای اموال را شامل می‌شود که در آن خسارات اقتصادی و عدم‌النفع ناشی از وقفه در فعالیت‌های تجاری، از سوی شرکت‌های بیمه جبران می‌شود. این نوع بیمه را اغلب در کشورهای توسعه‌یافته چون آمریکا و انگلستان می‌توان مشاهده نمود. طبیعتاً در کشورهایی چون ایران که جبران خسارت عدم‌النفع با تردید روبه‌رو است، پوشش این نوع بیمه‌ها چندان رایج نیست.

رسمیت یافتن این نوع بیمه در سال ۱۸۷۰ در ایالات متحده آمریکا و رواج آن در نظام حقوقی این کشور حاکی از پذیرش خسارت عدم‌النفع است. اصولاً خسارت عدم‌النفع یک خسارت غیرقطعی است که محاسبه دقیق آن امکان‌پذیر نبوده، بر اساس شواهد و اوضاع و احوال موجود در هر پرونده بررسی می‌شود. لذا دادگاه‌های آمریکا بر اساس قطعیت معقول به آن حکم می‌دهند.^{۲۷} حکم به جبران خسارت عدم‌النفع در دادگاه‌های آمریکا و توجه به جبران خسارت کامل زیان‌دیده، حاکی از اعمال قاعده منبع ثانوی جبران خسارت است که علاوه بر آنکه عامل زیان ملزم به جبران اصل خسارت واردشده است، زیان‌دیده می‌تواند از شرکت‌های بیمه نیز

25. John G, Fleming, *The Law of Torts*, (Sydney: The Law Book Company, 1987), p. 382-385.

26. Linda L, House, "Section 1983 and the Collateral Source Rule", *EngagedScholarship*, No. 1, (1992), p. 104.

۲۷. مونا عبدی و عباس میرشکاری، «اصول ارزیابی و محاسبه خسارت در بیمه‌های عدم‌النفع»، *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ش ۳۵ (۱۴۰۳)، ص ۲۶۶ و ۲۸۱.

خسارات عدم‌النفع را مطالبه نماید و جمع رجوع به هر دو را ممکن می‌سازد.

همان‌طور که می‌دانیم در مسئولیت تضامنی، هریک از اشخاصی که ضامن شناخته می‌شوند به‌تنهایی مسئول جبران زیان وارده هستند. زیان‌دیده در صورت تمایل می‌تواند هر میزان که بخواهد به هریک از مسئولان مراجعه کرده، باقی خسارت را از ضامن دیگری بگیرد. چنانچه هر میزان از خسارت وارده از سوی مسئولان ضامن جبران شود، به همان میزان کلیه آنها بری می‌شوند؛ لذا در صورتی که کل میزان خسارت از جانب یکی از ضامن‌ها جبران شود، زیان‌دیده حق مراجعه مجدد به دیگران را ندارد. در تبیین این قاعده برخی به مسئولیت تضامنی اشاره کرده، بیان می‌دارند: مسئولیتی که میان چند ضامن برقرار است، ناشی از یک مسئولیت مشترک بوده که برعهده همه آنهاست و جبران کل آن از سوی هریک، باقی اعضا را از مسئولیت مبرا می‌سازد. درحالی که در CSR هیچ‌یک از نهادهای ثانوی که خسارت وارده بر زیان‌دیده را جبران می‌کنند در ورود خسارت نقشی نداشته، شریک مسئول حادثه نیستند تا با جبران خسارت از سوی آنها مسئول حادثه را مبرا سازد. لذا با این قیاس نمی‌توان مسئولیت عامل زیان را به‌طور کلی یا جزئی کاست و رجوع به عامل زیان به‌منظور دریافت کل خسارت وارده پذیرفته‌شده است.

در نظام حقوقی کامن‌لا عواملی چون شرایط محیطی، اجتماعی و رأی قاضی مبنای مسئولیت مدنی اشخاص را تعیین می‌کند. مسئولیت مدنی در کامن‌لا مبتنی بر یک امر مشخص نبوده، بلکه می‌تواند ناشی از عمد، مسئولیت مطلق و تقصیر باشد.^{۲۸}

در برخی آرا در محاکم قضایی امریکا صدور حکم بر اساس مسئولیت مطلق است که شخص را بدون تقصیر هم مسئول می‌شمرد. برای مثال، در نگهداری اشیای خطرآفرین یا برخی اقداماتی که فاعل از انجام آنها نفع می‌برد، در صورت ورود زیان، مسئولیت حتی بدون تقصیر پذیرفته شده است؛ مانند رأی صادره در دعوی فلچر علیه ریلاند به سال ۱۸۶۸ در دادگاه لیورپول که در پی آن، ریلاند با یک مقاطعه‌کار قراردادی مبنی بر ساخت آب انبار در ملک خویش منعقد می‌کند که در پی حفاری مقاطعه‌کار، آب، معدن فلچر را که در مجاورت آن است فرا می‌گیرد و دادگاه رأی به مسئولیت ریلاند با آنکه مرتکب تقصیری نشده است، می‌دهد.^{۲۹}

۲۸. سید مرتضی قاسم‌زاده، مبانی مسئولیت مدنی. (تهران: میزان، ۴، ۱۳۸۷)، صص ۲۸۱ و ۲۸۲.

۲۹. همان.

یکی دیگر از مبنای مسئولیت در حقوق کامن لا تقصیر است که در موارد بی احتیاطی و غفلت محقق می شود و بر اساس آن، شخص اقدام به انجام فعل یا ترک فعلی می کند که رعایت احتیاط در آن معقول است.^{۳۰} همچنین هنگامی که شخص با قصد خویش به دیگری عمداً خسارتی وارد آورد، مسئول جبران آن است.

موافقان اعتقاد دارند که بر اساس قاعده منبع ثانوی مسئولیت، عامل زیان بر هر مبنایی که باشد، زیان دیده از منابع جانبی نیز حق دریافت وجوه را دارد.

نمونه بارز اعمال این قاعده را می توان در ایالاتی چون میشیگان، ماساچوست^{۳۱} و ویرجینیا یافت. در ایالت ویرجینیا عقیده بر این است که خسارات قابل جبران صدمات شخصی ناشی از سهل انگاری و غفلت عامل زیان به بهانه جبران آن از سوی زیان دیده کاهش نمی یابد. دادگاه های عالی ویرجینیا بر این باورند که مبالغی که از جانب منابع ثانوی به شخص زیان دیده پرداخت می شود، در برابر دین عامل زیان اعتباری ندارد. منطق و اساس این قاعده این است که کل خسارت زیان دیده باید از طرف عامل زیان جبران شود، نه آنکه ترکیبی از منابع ثانوی و عامل زیان باشد. این امر به آن معناست که در صورت جبران مقداری از خسارت از سوی نهادهای ثانوی، مابقی خسارت از جانب عامل زیان پرداخت نمی شود، بلکه زیان دیده بابت کل مبلغ می تواند به عامل زیان رجوع کند. در توجیه این عقیده می توان به یکی از آرای صادره استناد نمود: دادگاه عالی ویرجینیا (در دعوی *Fidelina D. Acuar v. Kevin Letourneau*, 2000) در خصوص دادخواست خواهان مبنی بر جبران خسارت در حادثه تصادف وسیله نقلیه موتوری، درخواست خوانده را مبنی بر کاهش مسئولیت به جهت جبران خسارت شرکت بیمه، رد کرد. دادگاه استدلال نمود که قاعده منبع ثانوی جهت ایجاد تعادل میان دو اصل متضاد اعمال می شود (۱- جبران خسارت تا میزان خسارت و نه بیشتر، ۲- مسئولیت عامل زیان بر جبران خسارت) و در نهایت نفع زیان دیده را برمی گزیند.

۳۰. قاسم حیدری و همکاران، «بررسی تطبیقی مبنای مسئولیت مدنی در حقوق ایران و آمریکا»، پژوهش های روابط بین الملل، ش ۲ (۱۳۹۷)، ص ۲۶۴.

۳۱. رای صادره از دادگاه استیناف در دعوی *Harris-Lewis v. Mudge*, 60 Mass. App. Ct. 480, 803 N.E.2d 735 (2004).

۳.۲. استدلال موافقان در حقوق ایران

با آنکه در بررسی قوانین و آرای قضایی در ایران نمی‌توان پیشینه قاعده منبع ثانوی را به‌عنوان یک قاعده عام یافت، اما برخی حقوق‌دانان در جهت حمایت از آن، نظرهای مستدلی ارائه داده‌اند. افزون بر آن، می‌توان پذیرش این قاعده را در برخی از منابع ثانوی چون بیمه‌های عمر و حوادث مشاهده کرد.

در مخالفت با این قاعده، حقوق‌دانان اصل «منع جمع چند وسیله جبران خسارت» را مورد توجه و پذیرش قرار داده‌اند. با وجود پذیرش این اصل در میان حقوق‌دانان می‌توان قوانینی را یافت که تابعیت از این اصل را چنان‌که باید نشان نمی‌دهد. هیچ‌یک از متون قانونی را نمی‌توان مشاهده کرد که به‌طور صریح به هریک از شیوه‌های جبران خسارت چهارگانه به‌عنوان روش حاکم در قالب یک اصل اشاره کرده باشد.

موافقان اعمال قاعده منبع ثانوی به وجود نظریه‌های مشورتی در خصوص جمع پرداختی‌های بیمه و دیه به زیان‌دیده اشاره می‌کنند و بر اساس آن جبران خسارت مضاعف را می‌پذیرند. برای مثال، در نظریه مشورتی ۴ تیر ۱۳۶۴ اداره حقوقی قوه قضاییه، جمع مزایای تأمین اجتماعی و دیه در کنار یکدیگر به نفع زیان‌دیده پذیرفته شده است. بر اساس نظام دیات، تنها افرادی می‌توانند دیه را دریافت کنند که به آنها زیان وارد شده باشد. با توجه به نظریه مشورتی ۷-۹۵۹، مورخ ۴ تیر ۱۳۶۴ اداره حقوقی قوه قضاییه که منشأ، مبلغ، مسئول پرداخت خسارت و دیه، اشخاص ذی‌نفع حادثه در نهادهای ثانوی (بیمه‌های اجتماعی و خصوصی) و نظام دیات متفاوت است، شرکت‌های بیمه نمی‌توانند دیه متعلق به زیان‌دیده را دریافت کنند. لذا در صورت جبران خسارت از سوی شرکت‌های بیمه، حق رجوع به عامل زیان برای این نهاد محرز نبوده، در این زمینه قائم‌مقام زیان‌دیده نیستند، بلکه زیان‌دیده یا زیان‌دیدگان، خود می‌توانند به عامل زیان رجوع کرده، در کنار دیه دریافتی، از عامل زیان خسارت زیان وارده را دریافت کنند.

در خصوص پذیرش شرط خلاف مواد ۳۰ قانون بیمه، مواد ۶۶ و ۹۰ قانون تأمین اجتماعی و آمره یا تکمیلی بودن آنها دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. برخی بر این عقیده‌اند که شرط خلاف اصل قائم‌مقامی صحیح بوده، می‌توان عدم رجوع شرکت‌های بیمه را به عامل زیان شرط کرد؛ حال آنکه برخی دیگر با این نظر مخالفت کرده، بطلان چنین شرطی را قائل‌اند. درواقع پذیرش

شرط خلاف این مواد، موجب بی‌توجهی به سیاست بازدارندگی است؛ مگر آنکه شرط خلاف اصل قائم مقامی را با رجوع زیان دیده به عامل زیان بپذیریم که بر اساس آن، زیان دیده می‌تواند علاوه بر شرط عدم رجوع نهادهای ثانوی به عامل زیان، خود به وی رجوع کند که این امر با اینکه ممکن است موجب جبران خسارت مضاعف شود، اعمال سیاست بازدارندگی را به دنبال خواهد داشت.

از یک منظر می‌توان گفت هدف مسئولیت مدنی اگر بازدارندگی نباشد موجب جسارت عاملان حادثه بر انجام مجدد آن می‌شود. لذا مسئول دانستن عامل زیان، مشابه محکومیت یک مجرم به پرداخت جزای نقدی است. از طرفداران این نظریه، گروس فیلد (حقوق آلمان)، ویندیگ کروز (حقوق دانمارک) و بوریس استارک (حقوق فرانسه) هستند^{۳۲}. در واقع، این گروه معتقدند پرداخت خسارت در کنار جبران خسارت زیان دیده، در موارد وجود تقصیر به عنوان یک مجازات نیز عمل می‌کند. هدف دیگر مسئولیت مدنی برقراری نظم و امنیت اجتماعی است که با مسئول دانستن عامل زیان محقق می‌شود و این امر را در اذهان عمومی می‌گستراند که در صورت ارتکاب عملی که موجب بروز خسارت می‌شود، جبران آن از سوی آنها الزامی است. این نظریه در رویه قضایی فرانسه با عنوان بطلان قراردادی که مبتنی بر عدم مسئولیت مدنی باشد، آمده است که جنبه عمومی داشتن این قواعد محل استناد آنهاست^{۳۳}.

از اصول برآورد خسارت در دادگاه‌ها را می‌توان اصل لزوم جبران کامل ضرر و لزوم رعایت وضعیت و توانایی مسئول دانست. مراد از اصل لزوم جبران کامل خسارت آن است که زیان وارده به نحوی جبران شود که گویی خسارتی وارد نیامده است و وضعیت او را به حالت پیش از وقوع حادثه بازگرداند. اصل جبران کلیه خسارات، قول مشهور حقوق دانان در حوزه مسئولیت مدنی است^{۳۴}. با توجه به مواد ۲۲۷ و ۶۵۲ قانون مدنی، قاضی در برآورد خسارت ملزم به لحاظ وضعیت مسئول حادثه است. همچنین طریقه جبران خسارت بر اساس قانون مسئولیت مدنی دارای آزادی عمل بیشتری نزد دادگاه‌ها است. بر اساس ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی، دادگاه کیفیت، طریقه و

۳۲. علیرضا باریکلو، *مسئولیت مدنی*، (تهران: میزان، چ ۱، ۱۳۸۵)، ص ۴۱.

۳۳. همان، ص ۴۳.

۳۴. سید نوراله شاهرخ و حبیب‌اله رحیمی، «بررسی انطباق اصل جبران همه خسارات با مبانی کثرت‌گرا در حوزه فلسفه مسئولیت مدنی»، *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ش ۳۰ (۱۴۰۱)، ص ۱۸۳.

میزان زیان را با توجه به اوضاع و احوال معین خواهد کرد؛ لذا اختیار تعیین روش جبران خسارت به عهده دادگاه‌ها است. در تعیین جبران خسارت، دادگاه باید شیوه‌ای را به کار گیرد که خسارت وارده بر زیان‌دیده به نحو کامل جبران شود، اما باید در نظر داشت اعمال جبران کامل خسارت مانع اعمال ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی نمی‌شود. براساس ماده ۴، قانون‌گذار قائل به کاهش قضایی مسئولیت عامل زیان است.^{۳۵}

با وجود کیفیات مخففه‌ای که در کاهش مسئولیت عامل زیان در قانون مسئولیت ما پذیرفته شده که در آن عامل زیان مورد توجه قرار گرفته و در تلاش برای برقراری توازن میان آنهاست، بهره‌گیری از مزایای منابع جانبی می‌تواند یاری‌دهنده در جبران کامل خسارت زیان‌دیده و اجرای ماده ۴ با کمترین تالی فاسد ممکن باشد. در واقع با آنکه توجه به شرایط عامل زیان و وقوع حادثه امری پسندیده و در تحقق عدالت یاری‌دهنده است، اما باید توجه داشت که جبران خسارت زیان‌دیده نباید جبران‌نشده باقی بماند و این خلأ می‌تواند با به‌کارگیری مزایای جانبی جبران شود. بنابراین با توجه به اینکه جبران خسارت در مواردی با در نظر گرفتن وضعیت عامل زیان صورت گرفته است، رجوع به منابع جانبی در کنار عامل زیان در جهت تحقق جبران خسارت نقش اساسی دارد.

از یک جنبه می‌توان بیان داشت، با آنکه یکی از شرایط جبران خسارت آن است که قبلاً جبران نشده باشد، در شرایطی که وجوهی از نهادهایی چون بیمه به شخص زیان‌دیده می‌رسد، چون این پرداخت‌ها مسبوق به قراردادی است که میان شرکت‌های بیمه و زیان‌دیدگان بالقوه منعقد شده است، اثری بر رابطه میان عامل زیان و زیان‌دیده ندارد و می‌تواند تمام خسارات وارده را از عامل زیان دریافت کند. اما برخی معتقدند در صورتی که وجوه دریافتی عامل زیان به صورت رایگان باشد، زیان‌دیده تنها به میزان خسارت جبران‌نشده می‌تواند به عامل زیان مراجعه نماید و سازمان مربوطه قادر است بر اساس ماده ۳۰ قانون بیمه، آن را از مسئول زیان مطالبه کند.^{۳۶}

هدف اصلی مسئولیت مدنی، جبران زیان وارده بر شخص زیان‌دیده و بازدارندگی عامل حادثه

۳۵. علی‌عباس حیاتی، حقوق مدنی ۴ مسئولیت مدنی، (تهران: میزان، ج ۱، ۱۳۹۲)، ص ۳۳۹.

۳۶. یحیی جلیوند، مسئولیت مدنی قصات و دولت در حقوق: ایران، فرانسه، آمریکا و انگلیس، (تهران: یلدا، ج ۱، ۱۳۷۳)، ص ۷۱.

فرع بر آن است.^{۳۷} بر اساس اصل بازگشت وضعیت زیان دیده به حالت پیش از وقوع حادثه، هنگامی که به زیان دیده خسارتی وارد می شود وضعیت او از حالت پیش از وقوع زیان تغییر می کند و جبران آن منوط به بازگشت وی به وضع پیشین است.^{۳۸} آنچه که می تواند وضعیت زیان دیده را به حالت قبل برگرداند لزوماً جبران خسارت مادی نبوده، خسارت معنوی وارد شده بر شخص نیز باید جبران گردد. برای مثال، در یک تصادف رانندگی با جبران زیان وارده بر خودرو نمی توان گفت وضعیت زیان دیده به حالت پیش از وقوع زیان بازگشته است، چراکه کاهش قیمت خودرو، تحمل بار روانی ناشی از حادثه، صرف زمان و ازدست رفتن فرصت انتفاع در زمان تعمیر آن، بخشی از زیان هایی است که در برآورد خسارت وارد لحاظ نمی شود. این امر در برخی نظام های حقوقی با پذیرش جبران خسارت معنوی و اعمال آن پذیرفته شده است. در شرایطی که کلیه زیان های وارده بر یک شخص مورد توجه و جبران قرار نمی گیرد، وجود نهادهای جانبی در کنار عامل حادثه می تواند پوشش دهنده زیان های جبران نشده و اعاده شخص به وضع پیشین باشد. بنابراین، یکی از فروعات اصل اعاده وضعیت به سابق و جبران کامل خسارت، اصل توجه به خسارات تکمیلی در کنار خسارت اصلی است. این نوع خسارت می تواند شامل خسارات معنوی، خسارات ناشی از کاهش ارزش پول و خسارت تنبیهی باشد.^{۳۹}

در نگاه اول و به نحو عموم، عدالت چیزی جز اقتضای جبران خسارت ندارد، اما تحمیل جبران آن از سوی عامل زیان را نمی توان اقتضای آن دانست.^{۴۰} در صورتی که بخواهیم حمایت از عامل زیان بداقبال را که باعث ورود یک خسارت اتفاقی و بدون تقصیر شده است مطلوب بدانیم، تضمین جبران خسارت زیان دیده نیز در مقابل آن، مطلوب و مورد حمایت است. همچنین جلب رضایت زیان دیده چیزی جز تسلای خاطر او از تضمین جبران زیان وارده شده نیست. رفع این تعارض را در سیاست توزیع ضرر می توان جستجو کرد. «توزیع خسارت» به معنای انتشار ضرر و تقسیم و تحمیل آن بر خیل عظیمی از افراد است. انواع بیمه های خصوصی، بیمه اجتماعی، و خدمات سلامت عمومی، همه به نحوی در جهت توزیع زیان و همبستگی اجتماعی و تعاون

۳۷. حسن رهپیک، حقوق مسئولیت مدنی و جبران ها، (تهران: خرسندی، چ ۱۷، ۱۳۹۰)، ص ۲۲.

۳۸. همان، ص ۸۸.

۳۹. حسن رهپیک، پیشین، ص ۹۳.

۴۰. حسین صفایی و احسان حسینی، پیشین، ص ۱۷۹.

عمومی و در برخی موارد کسب سود به میان آمده‌اند. توزیع خسارت با پرداخت غرامت و جبران خسارت زیان‌دیده در تعارض نیست، اما این امکان وجود دارد که پرداخت آن از طریق منابع جانبی و پخش آن در میان افراد، معارض سیاست بازدارندگی و عدالت که اقتضا در عدم انتقال همهٔ پیامدهای شخص به افراد دیگر دارد، باشد^{۴۱}. در واقع، در مواردی که شخص مقصر و مسئول حادثه شناخته می‌شود، برداشت کلیهٔ مسئولیت از وی پذیرفته نیست. لذا جبران آن از طریق عامل خسارت و رجوع زیان‌دیده به مسئول حادثه نیز در کنار منابع جانبی می‌تواند رافع این اشکال باشد.

در کنار این استدلال‌ها نمی‌توان این مسئله را نادیده گرفت که گاهی قصد واقعی زیان‌دیده از طرح دعوا علیه بیمه‌گر و بیمه‌گذار مسبب حادثه، تمسک به دو منبع برای جبران است و رجوع خواهان به هریک به اعتبار جداگانه‌ای است. در این صورت، خواهان حق دارد خسارت خود را از بیمه‌گذار و بیمه‌گر بخواهد و مطالبهٔ این حق از محکمه، نیاز به پاسخ قضایی دارد. و همچنین حمایت حداکثری از زیان‌دیده صرفاً بر بنیاد نظریهٔ تضامن در مسئولیت بیمه‌گذار مسبب حادثه و بیمه‌گر بنا می‌شود^{۴۲}. در بخشی از دادنامهٔ شمارهٔ ۹۳۰۷۳۴ مورخ ۲۸ آبان ۱۳۹۳ شعبهٔ ۱۶ دادگاه عمومی حقوقی تهران در توجیه استناد به مسئولیت تضامنی آمده است: «هر چند در قانون ما صدور حکم دایر بر محکومیت تضامنی مستلزم نص قانون است اما در پاره‌ای از موارد اقتضای وضعیت ایجاب می‌نماید که مسئولیت تضامنی انجام پذیرد؛ زیرا حقوق شخص حقیقی و حقوقی به جهت وضعیت استنادی مالی و حقوقی به‌گونه‌ای است که چنانچه مسئولیت را به تساوی یا نسبت ایجاد نمائیم موجبات دارا شدن غیرعادلانه اشخاص خواهد شد...».

۴. کاربرد قاعدهٔ منبع ثانوی در نظام بیمه

در حقوق کشورهای دنیا روش‌های گوناگونی به‌منظور جبران خسارت ارائه شده که هریک بر مبنای سیاست‌ها و اهداف خویش است. به‌طور کلی با توجه به نهادهای گوناگون و جبران خسارت از سوی آنها، این پرسش مطرح می‌شود که با اجرای قراردادی چون بیمه، آیا از بیمه‌گذار

۴۱. همان. ص ۱۸۱.

۴۲. حمید افکار و عبدالله خدابخشی، «طرح نظریه تضامن مسئولیت مسبب حادثه و بیمه‌گر در قانون بیمه اجباری»، حقوقی دادگستری، ش ۱۲۰ (۱۴۰۱)، ص ۳۴ و ۴۰.

رفع خسارت شده است و دیگر دلیلی برای رجوع به عامل زیان وجود ندارد؟ یا آنکه اجرای قرارداد بیمه تأثیری در اشخاص ثالث نداشته، عامل زیان همچنان مسئول پرداخت خسارت است؟

اکثریت قریب به اتفاق کشورهای دنیا بر این امر اتفاق نظر دارند که قلمرو اعمال قاعده منبع ثانوی در خصوص انواع بیمه محدود به بیمه عمر و حوادث است.

موضوع بیمه اشخاص، جان، سلامتی و در یک کلام وجود اشخاص است^{۴۳}. این بیمه تمامیت جسمانی اشخاص را تحت پوشش و حمایت قرار می‌دهد. مرگ طبیعی یا بر اثر حادثه، بیماری، نقص عضو، ازکار افتادگی، هزینه‌های پزشکی ناشی از حادثه و... مثالی‌هایی از بیمه اشخاص است. بیمه‌های سرمایه‌ای در هنگام ورود خسارت و یا حتی غیر از آن، موظف به پرداخت مزایایی به میزان وجه معینی هستند که در قرارداد ذکر شده است (در فرض وجود خسارت چه بیشتر از میزان خسارت وارده باشد و چه کمتر از آن). در واقع، پرداخت از طرف شرکت بیمه به جهت جبران خسارت بیمه‌گذار نبوده بلکه ایفای تعهدی است که در قرارداد تعیین شده است. بیمه عمر، حوادث و درمان از انواع بیمه‌های اشخاص هستند.

۴.۱. بیمه عمر

بیمه عمر قراردادی است که به موجب آن بیمه‌گر در مقابل پرداخت حق بیمه از سوی بیمه‌گذار، متعهد به پرداخت مبلغ معینی به صورت یکجا در قالب سرمایه بیمه شده یا در مدت معین به صورت مستمری به شخص بیمه‌گذار یا شخص ثالث تعیین‌شده در قرارداد، ملزم می‌شود، که موعد آن می‌تواند مرگ یا حیات بیمه‌گذار یا شخص دیگر در زمان مشخص باشد. این بیمه جنبه پس انداز داشته، بیمه‌گذار هر زمان که بخواهد می‌تواند آن را متوقف کند. در واقع، بیمه عمر یک نوع آینده‌نگری و سرمایه‌گذاری برای بیمه‌گذار یا اشخاص ثالث است. لذا با توجه به ویژگی‌ها و شرایط موجود در انواع مختلف بیمه‌های عمر می‌توان به این نتیجه دست یافت که در بیمه‌های عمر به شرط فوت، عمر به شرط حیات و مختلط، از آنجا که جنبه پس‌انداز در آنها وجه غالب بوده، دریافت مزایا در آن مسلم است؛ هیچ ارتباطی با پرداخت خسارت از طرف عامل

۴۳. عمران نعیمی و محمد مهدی صداقت، حقوق بیمه، (تهران: جنگل، چ ۱، ۱۳۹۱)، ص ۷۲.

زیان که مقصر در فوت او بوده، ندارد و دریافت وجوه از عامل خطا و بیمه عمر توأمان پذیرفته شده است. بنابراین، قاعده منبع ثانوی را در بیمه عمر که یکی از انواع بیمه‌های اشخاص است می‌توان اعمال کرد.

۴.۲. بیمه حوادث بدنی

در این نوع بیمه آنچه مورد حمایت از سوی بیمه‌گذار قرار می‌گیرد، صدمه و حوادث بدنی ناشی از وقوع یک حادثه است که در صورت وقوع آن، بیمه به پرداخت مبلغ معینی به زیان‌دیده ملزم می‌شود. مقصود از حادثه بدنی، صدمه وارد بر عضو بر اثر یک عامل بیرونی - مستقل از قصد و اراده شخص زیان‌دیده - و غیرمنتظره است.^{۴۴} در بیمه حوادث مواردی چون نقص عضو، بیماری، هزینه‌های درمانی ناشی از حوادث، ازکار افتادگی، مسمومیت، فوت و... که ناشی از وقوع یک حادثه است، تحت پوشش قرار می‌گیرند و بر اساس آن، بیمه موظف به حمایت از بیمه‌شده طبق موارد تعیین‌شده در قرارداد و پرداخت خسارات ناشی از حوادث است. در خصوص بیمه حوادث بدنی، برخی بر این باورند که توافق بر رجوع بیمه به عامل زیان خلاف نظم عمومی است.^{۴۵}

به علت شباهت‌هایی که بین این بیمه و بیمه عمر از لحاظ پرداخت حق بیمه و جنبه سرمایه‌گذاری آن وجود دارد، برخی اعمال قاعده منبع جانبی را صحیح می‌دانند. این درحالی است که عده‌ای دیگر با این امر مخالفت کرده، خطر را در بیمه عمر (مرگ) حتمی و در بیمه حوادث بدنی غیر قطعی می‌دانند و بر این مبنا بیمه حوادث بدنی را سرمایه‌گذاری نمی‌دانند؛ لذا اعمال قاعده منبع ثانوی را در خصوص بیمه حوادث بدنی منتفی می‌شمرند.^{۴۶} با وجود دیدگاه‌های معارضی که در ماهیت بیمه حوادث وجود دارد، اما به‌طور کلی آنچه از این نوع بیمه می‌توان استنباط نمود، آن است که با توجه به آنکه در هنگام فوت و وقوع حادثه از منتفعان بیمه حمایت می‌شود، به‌نوعی سرمایه‌گذاری و در زمره بیمه اشخاص است؛ لذا اعمال قاعده منبع ثانوی در این بیمه پذیرفته شده است.

۴۴. روزه بو، حقوق بیمه مترجم: محمد حیاتی، (تهران: بیمه مرکزی ایران، چ ۲، ۱۳۷۸)، ص ۸۱.

۴۵. جانعلی محمود صالحی، فرهنگ اصطلاحات بیمه و بازرگانی، (تهران: شرکت صادراتی سازمان صنایع ملی ایران، چ ۱، ۱۳۶۷)، ص ۷۵.

46. John, Fleming, *International Encyclopedia of Comparative Law, Collateral Benefits*, (Tubingen: J.C.B. Mohr (Paul Siebeck), (1971), p. 11.

براساس توضیحات مطرح شده، هدف اکثر بیمه‌های اشخاص علاوه بر جنبه تأمین و جبران خسارت، یک نوع سرمایه‌گذاری است. حال آنکه هدف بیمه‌های خسارت صرفاً جبران زیان وارده در هنگام وقوع خطر است. ثمره قراردادهای مربوط به بیمه‌های اشخاص، ایجاد حق دینی به نفع بیمه‌گذار است که به منزله اوراق اعتباری است^{۴۷}. همچنین اصل جبران خسارت را نمی‌توان در بیمه‌های اشخاص حاکم دانست، چراکه هیچ‌گونه رابطه‌ای میان خسارت زیان‌دیده و وجوه پرداختی وجود ندارد؛ حتی اگر موضوع بیمه در نتیجه حادثه و بروز خسارت تحقق نیابد، شرکت‌های بیمه به ایفای تعهد قراردادی خویش موظف هستند.

افزون بر آن، در بیمه عمر و حوادث، بیمه‌گر موظف به پرداخت مبلغ تعیین شده در قرارداد - فارغ از میزان خسارت واقعی - است. این امر را می‌توان از ماده ۲۳ قانون بیمه نیز استنباط کرد که بیان می‌دارد: در خصوص بیمه عمر و نقص و شکستگی اعضای بدن، وجوه پرداختی در هنگام انعقاد قرارداد بیمه باید میان طرفین تعیین گردد. این امر حاکی از آن است که میزان وجوه پرداختی علقه‌ای با میزان خسارت وارده ندارد و می‌تواند کمتر یا بیشتر از آن باشد. در بیمه‌های اشخاص نه تنها اصل جبران خسارت و به تبع آن، اصل قائم مقامی، حاکمیت ندارد و بیمه‌گذار نمی‌تواند به عامل زیان رجوع کند، بلکه شرط رجوع و قائم مقامی از زیان‌دیده نیز پذیرفته نیست. چراکه این بیمه‌ها از شمول ماده ۳۰ قانون بیمه تخصیص خورده‌اند. در واقع از آنجا که مقصود اصلی بیمه‌های اشخاص در ارائه مزایا، جبران خسارت زیان‌دیده نیست، بیمه نیز حق رجوع به دیگری را ندارد. لذا دریافت وجوه خسارت علاوه بر آنکه از عامل زیان امکان‌پذیر است، زیان‌دیده می‌تواند به شرکت‌های بیمه رجوع کرده، مبالغی را دریافت کند؛ زیرا این مبالغ ارتباطی با خسارت و میزان آن نداشته، پرداخت آن بر مبنای قراردادی است که میان طرفین توافق شده است.

با پذیرش قاعده منبع ثانوی در بیمه‌های اشخاص می‌توان بدین جواز نیز دست یافت که اشخاص می‌توانند به انعقاد بیمه‌های مضاعف اقدام کنند و علاوه بر عامل زیان از محل چند بیمه نیز در خصوص یک زیان واحد وجوه خسارت را دریافت کنند. برای مثال، می‌توانند به‌طور هم‌زمان علاوه بر بیمه عمر به شرط فوت، بیمه حوادث در فرض فوت را نیز خریداری کنند و از سه محل بیمه عمر به شرط فوت، بیمه حوادث و عامل زیان، وجوه خسارت را از یک زیان واحد

۴۷. عمران نعیمی و محمد مهدی صداقت، پیشین، ص ۸۵.

دریافت کنند. اما این امر در بیمه‌های خسارت که تابع اصل غرامت و قائم‌مقامی هستند، متفاوت است.

همچنین از میان بیمه‌های اشخاص در بیمه‌های عمر، حوادث و بیمه‌های درمانی که جنبه غرامت ندارند، اصل قائم‌مقامی حاکم نیست و زیان‌دیده می‌تواند هم به عامل زیان و هم به بیمه‌های اشخاص رجوع کند. اما هنگامی که بیمه‌های درمانی جنبه غرامت و جبران خسارت داشته باشند، اصل قائم‌مقامی و عدم اعمال قاعده منبع جانبی پذیرفته است.

بنابراین در خصوص برخی از بیمه‌های اشخاص، قریب به اتفاق نظام‌های حقوقی دنیا بر این امر تکیه دارند که نظریه قائم‌مقامی قابل اجرا نبوده، اعمال قاعده منبع ثانوی را در آن مجاز می‌دانند. لذا با تفکیک بیمه‌های موجود می‌توان اعمال قاعده را در خصوص بیمه‌های اشخاص در سطح جهانی پذیرفت.

نتیجه

نظام عام مسئولیت مدنی در حقوق مسئولیت مدنی به‌منظور جبران خسارت زیان‌دیده، گرچه در گذشته حاکم بود و بر اساس آن عامل زیان خسارت وارده را جبران می‌کرد، اما ضرورت زندگی جمعی، پیشرفت جوامع و تحول آن، لزوم وجود منابع جانبی را انکارناپذیر می‌نماید. پیشرفت جوامع و گسترش تکنولوژی در سده‌های گذشته موجب بروز عوامل خسارت‌های عظیم و خطرهای بسیاری شده که روند جبران خسارت را به شیوه‌های متفاوتی سوق داده است؛ لذا روش‌های گوناگونی در جهت رویارویی با آن صورت پذیرفته است. قاعده منبع ثانوی جبران خسارت یک قاعده عام در حقوق ایالات متحده آمریکا است که بر اساس آن دادگاه‌ها و هیئت منصفه مدارک مربوط به دریافت وجوه زیان‌دیده از منابع جانبی را که از سوی عامل زیان ممکن است ارائه شود، نمی‌پذیرند. بر این اساس، مسئولیت عامل زیان کاهش نمی‌یابد و حتی با وجود دریافتی‌های زیان‌دیده از سایر منابع، عامل زیان ملزم به پرداخت کل خسارات وارده است.

طرفداران این قاعده به دستاویزهای محکمی تمسک جسته، بیان می‌دارند پرداخت‌های منابع ثانوی چون انواع بیمه، در برابر دین عامل زیان اعتباری ندارد و هیچ‌گونه رابطه‌ای را نمی‌توان میان این منابع و عامل زیان متصور شد. همچنین حفظ کارکرد بازدارندگی عاملان

زیان بالقوه و بالفعل مانع آن است که از مسئولیت عامل زیان بکاهیم. در واقع، پرداخت منابع ثانوی را نمی‌توان وسیله سود عامل زیان قرار داد؛ چراکه پرداخت از سوی عامل زیان، علاوه بر جبران خسارت، تنبه وی و نظم عمومی را نیز در پی دارد. این دسته استدلال می‌کنند خسارات وارده به اشخاص، تنها به ظاهر آن ختم نمی‌شود و خسارات معنوی وارده از سوی منابع جانبی جبران نمی‌گردد. لذا پرداخت وجوه از محل‌های متعدد می‌تواند در ایجاد رضایت زیان‌دیده و بازگشت او به حالت سابق مؤثر باشد و وسایل جبران کامل خسارت را فراهم سازد. در این میان حتی اگر وجوه دریافتی به سود مضاعف زیان‌دیده بینجامد، این امر بر سود عامل زیان و عدم مسئولیت وی ارجحیت دارد. با آنکه برخی حل این مسئله و حفظ بازدارندگی عامل زیان را در رجوع نهادهای ثانوی به عامل زیان می‌دانند و قائل به قائم‌مقامی این منابع می‌شوند، اما این راه‌حل قابل قبول نبوده، چراکه به بی‌اعتمادی و ایجاد افکار منفی در ذهن عموم جامعه نسبت به منابع ثانوی منجر می‌شود.

با توجه به استدلال‌هایی که در حمایت از این شیوه ارائه شده است، هر نظام حقوقی که این روش را مطابق با سیاست‌ها و اهداف خویش بیابد، می‌تواند آن را اعمال کند؛ چراکه اعمال این شیوه را در ایالات متحده آمریکا به عنوان یک قاعده عام، و در ایران در برخی موارد چون جمع دیه و بیمه‌های اجتماعی شاهدیم. همچنین کاربرد آن را در بیمه باید پذیرفت که بر اساس آن، اکثریت قریب به اتفاق کشورهای دنیا در اعمال این قاعده در خصوص بیمه‌های عمر و حوادث که ماهیت سرمایه‌گذاری در آنها وجه غالب است و حق بیمه در مقابل آن پرداخت شده است، اتفاق نظر دارند.

از آنجا که خسارات وارده بر زیان‌دیده را نمی‌توان محدود به ظاهر آن نمود و مسائل گوناگونی در عدم جبران کامل خسارات زیان‌دیده مداخله دارد، در پایان پیشنهاد می‌شود با اعمال این شیوه، وسایل جبران کامل خسارات وارده بر زیان‌دیده فراهم گردد.

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

- کتاب‌ها

۱. بابایی، ایرج (۱۳۹۰). *حقوق بیمه*، تهران: سمت.
۲. بادینی، حسن (۱۳۸۴). *فلسفه مسئولیت مدنی*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۳. باریکلو، علی‌رضا (۱۳۸۵). *مسئولیت مدنی*، تهران: میزان.
۴. بو، روزه (۱۹۹۲). *حقوق بیمه*، مترجم: محمد حیاتی، ۱۳۷۸، تهران: بیمه مرکزی ایران.
۵. تنک، آندره (۱۹۸۳). *مبانی و اصول مسئولیت مدنی از دیدگاه حقوق تطبیقی*، مترجمان: سید حسین صفایی و سید احسان حسینی، ۱۳۹۸، تهران: سهامی انتشار.
۶. جلیلود، یحیی (۱۳۷۳). *مسئولیت مدنی قضات و دولت در حقوق: ایران، فرانسه، آمریکا و انگلیس*، تهران: یلدا.
۷. حیاتی، علی‌عباس (۱۳۹۲). *حقوق مدنی و مسئولیت مدنی*، تهران: میزان.
۸. ره‌پیک، حسن (۱۳۹۰). *حقوق مسئولیت مدنی و جبران‌ها*، تهران: خرسندی.
۹. قاسم‌زاده، سید مرتضی (۱۳۸۷). *مبانی مسئولیت مدنی*، تهران: میزان.
۱۰. محمدی، محمدمهدی (۱۳۸۵). *حقوق بیمه (مسئولیت و شخص ثالث)*، تهران: میزان.
۱۱. محمود صالحی، جانعلی (۱۳۶۷). *فرهنگ اصطلاحات بیمه و بازرگانی*، تهران: شرکت صادراتی سازمان صنایع ملی ایران.
۱۲. نعیمی، عمران و صداقت، محمدمهدی (۱۳۹۱). *حقوق بیمه*، تهران: جنگل.

- مقالات

۱۳. افکار، حمید و خدابخشی، عبدالله (۱۴۰۱). طرح نظریه تضامن مسئولیت مسبب حادثه و بیمه‌گر در قانون بیمه اجباری، *حقوقی دادگستری*، ۸۶ (۱۲۰)، ۴۷-۲۷.

Doi:10.22106/jlj.2022.542623.4527

۱۴. امیران بخشایش، عیسی و باریکلو، علیرضا (۱۳۹۳). مفهوم اصل جبران خسارت در حقوق بیمه، *مجلس و راهبرد*، ۲۱ (۸۰)، ۱۶۹-۱۹۳.
۱۵. بادینی، حسن (۱۳۸۷). قواعد حاکم بر اعمال همزمان نظام‌های جبران خسارت (مسئولیت مدنی، بیمه و تأمین اجتماعی)، *مطالعات حقوق خصوصی*، ۳۸ (۲)، ۳۹-۶۷.
۱۶. بادینی، حسن و تخشید، زهرا (۱۳۹۸). مقدمه‌ای تحلیلی و انتقادی بر مطالعه‌ی تطبیقی حقوق مسئولیت مدنی آمریکا، *مطالعات حقوق خصوصی*، ۴۹ (۲)، ۲۱۷-۲۳۷.
Doi: 10.22059/jlq.2019.279695.1007201
۱۷. باریکلو، علیرضا و هاشمی، سید نعمت‌اله (۱۳۹۵). تأثیر بیمه بر بازدارندگی حقوق مسئولیت مدنی، *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ۶ (۱۱)، ۳۱-۵۳.
۱۸. حیدری، قاسم؛ عامری، پرویز و آل‌بویه، علی (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی مبنای مسئولیت مدنی در حقوق ایران و آمریکا، *پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، ۸ (۲)، ۲۶۳-۲۹۲.
۱۹. خادم سربخش، مهدی و سلطانی‌نژاد، هدایت‌اله (۱۳۹۲). اصل قابلیت جبران کلیه خسارات، *مبانی فقهی حقوق اسلامی (پژوهش نامه فقه و حقوق اسلامی)*، ۶ (۱۲)، ۲۱-۴۸.
۲۰. شاهرخی، سید نوراله و رحیمی، حبیب‌اله (۱۴۰۱). بررسی انطباق اصل جبران همه خسارات با مبانی کثرت‌گرا در حوزه فلسفه مسئولیت مدنی، *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ۱۴ (۳۰)، ۱۷۹-۲۱۳.
Doi: 10.22034/law.2022.50748.3106
۲۱. عبدی، مونا و میرشکاری، عباس (۱۴۰۳). اصول ارزیابی و محاسبه خسارت در بیمه‌های عدم‌النفع، *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ۱۵ (۳۵)، ۲۶۱-۲۹۲.
Doi: 10.22034/law.2024.59203.3338
۲۲. غریبه، علی و امن‌الهی، عزیز (۱۴۰۱). مبانی مسئولیت تولید و عرضه تجهیزات پزشکی معیوب در حقوق ایران و اتحادیه اروپا، *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ۱۳ (۲۶)، ۱۲۵-۱۵۲.
Doi: 10.22034/law.2021.46297.2916

ب) منابع انگلیسی

- Books

23. Fleming, John (1971). *International Encyclopedia of Comparative Law*. Volume XI, Torts, Chapter 11, Collateral Benefits, Tubingen:

J.C.B. Mohr (Paul Siebeck).

24. Fleming, John G (1987). *The Law of Torts*, Sydney: The Law Book Company.
25. Garner, Bryan A (2004). *Black's Law Dictionary*, United States: West, Thomson Reuters.
26. Posner, Richard A (2007). *Economic Analysis of Law*, New York: Aspen Publishers.

- Articles

27. Fleming, John (1967). The Role of Negligence in Modern Tort Law, *Virginia Law Review*, 53 (4), 815-846.
28. Gosnell, Devon L (2000). The Collateral Source Rule, Whose Windfall Is It?, *Morgantown*, 1-15.
29. House, Linda L (1992). Section 1983 and the Collateral Source Rule, *Engaged Scholarship*, 40 (1) 101-131.
30. Kenneth S. Abraham (2005). Twenty-First Century Insurance and Loss Distribution in Tort Law, *Cambridge University Press*, 81-110. Doi: 10.1017/CBO9780511610639.005.
31. Schap, David and Feeley, Andrew (2008). The Collateral Source Rule: Statutory Reform and Special Interests, *Cato Journal*, 28 (1), 83-99.
32. Schap, David and Feeley, Andrew (2006). (Much) More on the Collateral Source Rule, *Philadelphia: Paper Presented at the Eastern Economic Association Meetings*, 1-17.

- Cases

33. Harris-Lewis v. Mudge, 60 Mass. App. Ct. 480, 803 N.E.2d 735 (2004)
34. Sheffield v Superior Ins. Co., 800 so 2d 197, (fla 2001); Grossman v. Beard, 410 So.2d 175 (Fla. 2d DCA 1982).